

آزادی مطبوعات و بحران چک اسلواکی

روزنامه نگاران چک اسلواکی نخستین پایه گذاران جنبش آزادی طلبی در کشور بودند و مسئله سانور و کنترل حزبی بر مطبوعات همچنان بصورت یکی از مهمترین موارد بحران پراگ و مسکوباقی است.

در حوادث اخیر چک - اسلواکی مسئله آزادی مطبوعات یکی از ریشه های اصلی بحرانی بود که در روابط مسکو و پراگ پدید آمد. بطوریکه از گزارش های مطبوعات اروپا برمیآید مردم چک اسلواکی از رویه مستبدانه «نووتنی» رئیس جمهوری و دبیر کل حزب کمونیست چک - اسلواکی رضایت نداشتند. در ماه ژوئن ۱۹۶۷ کنگره نویسندگان چک اسلواکی تشکیل میشود. در این کنگره چندتن از نویسندگان چک از سوسیالیسم بشکلی که در کشور شان اعمال میشود انتقاد می کنند و از کنگره میخواهند برای اعطای آزادی بیان بملت چک اسلواکی تصمیمی اتخاذ شود. نویسندگانی که باین شکل در کنگره مذکور اعتراض خود را به نظام موجود در چک اسلواکی اعلام داشتند متذکر شدند که همچنان به ایدآل کمونیسم وفادار هستند، لیکن در این کنگره نمایندگان رسمی حزب کمونیست اصولاً حاضر بطرح این بحث نشدند و آقای «هاندریخ» دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست مامور مسائل ایده اولوژیک اظهار داشت. «صحبت از این نیست که یک اقلیت وفادار بحزب را در چهار چوب فعالیت حزبی تحمل کرد، بلکه کسانیکه اینطور آشکارا انتقادات خود را عنوان می

کنند با رژیم موجود مخالفت دارند. بنابراین باید آن ها را خاموش ساخت، زیرا هوس برخورداری از رژیم سرمایه داری و دمکراسی بورژوازی برشان افتاده است.»

بدین ترتیب در کنگره نویسندگان چک اسلواکی به دستور حزب و هیئت مدیره اتحادیه نویسندگان کاندیدا هائی که در تعصب و وفا - داری آن ها به تعالیم حزبی کمترین تردیدی وجود داشت ازلیست حذف شدند. سه ماه بعد اختلاف بشکل تند تری نمایان شد. روزنامه هفتگی «لیتر ارنی نوینی» نشریه نویسندگان شروع به نشر مقالاتی کرد که در خلال آن آزادانه از ترهائی که معروف به تجدید نظر طلبی شده اند دفاع شده بود. در آنوقت «نووتنی» فکر کرد که اگر این کانون تحریک یعنی روزنامه «لیتر ارنی نوینی» در هم کوفته شود از توسعه هر نوع تلاشی برای استقرار دموکراسی در چک اسلواکی جلوگیری خواهد شد.

اما در حقیقت دبیر کل وقت حزب کمونیست چک - اسلواکی بدین ترتیب جریانات موجود در کشور خود را خیلی سطحی تلقی می کرد. با این تصور «نووتنی» تصمیماتی برای اعمال زور و ابراز خشونت بمرحله اجرا در آورد. نشریه «نووینی» از اتحادیه نویسندگان چک گرفته شد و انتشار آن را دبیر کل حزب کمونیست به وزارت فرهنگ سپرد.

در دنبال همین تصمیم سه تن از نویسندگان حزب کمونیست که با جلوه خاصی مطالبات و خواستهای لیبرال ها را در مقالات خود عرضه

داشته بودند از طرف کمیته مرکزی از حزب کمونیست اخراج شدند، اما این تصمیمات نه تنها نتیجه ای نداد بلکه بر عکس با اختلاف موجود بین اصلاح طلبان و روشنفکران چک اسلواکی با هیئت رهبری وقت حزب کمونیست دامن زد. روزنامه «لیتر ارنی - نوینی» بشکل جدید زیر نظر وزارت فرهنگ چک با انتشار خود ادامه داد، لیکن همه نویسندگان قبلی که در نزد مردم شهرت و محبوبیت داشتند از ادامه همکاری با روزنامه مذکور خود داری کردند و همراه با این نویسندگان روزنامه «لیتر ارنی نوینی» بیشتر خوانندگان خود را هم از دست داد. در همین وقت روزنامه ها ایکه هنوز مشمول تصفیه نشده بودند مانند نشریه اتحادیه شاغلین سینما صفحات خود را در اختیار نویسندگان اخراج شده از حزب کمونیست گذاشتند و بدین ترتیب مبارزه علیه افرادی که سالها در چک اسلواکی قدرت را انحصاراً در دست داشتند آغاز گردید.

در همانوقت مسئولان ناحیه «اسلواک» راضی با اجرای تصمیمات خشونت آمیز علیه مطبوعات که در پراگ بتصویب رسیده بود نشدند. نکته قابل ذکر این است که در آن ایام الکساندر دوبچک رهبر فعلی حزب کمونیست چک - اسلواکی دبیر حزب کمونیست در ناحیه اسلواکی بود و روزنامه هائیکه در این ناحیه منتشر میشدند تا حدودی از حق آزادی انتقاد برخوردار بودند. در این وقت بود که نویسندگان اصلاح طلب و اخراج شده از حزب متوجه شدند که میتوانند بروی پشتیبانی برخی

از رهبران حزب کمونیست از جمله دوبچک و چرینک حساب کنند. در همین وقت در کادر رهبری حزب کمونیست چک اسلواکی دو دستگی شدید روز بروز افزایش یافت. در بین اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کسانی بودند که عدم رضایت خود را از رفتار خشن و مستبدانه دبیر کل «نووتنی» پنهان نمیداشتند. سر انجام در ماه دسامبر ۱۹۶۷ پنج تن از اعضای دفتر سیاسی حزب که دوبچک و چرینک از آن جمله بودند استعفا دادند. «نووتنی» را خواستار شدند. در مقابل این پنج نفر ۵ نفر دیگر از اعضای دفتر سیاسی حزب که نووتنی خود یکی از آنها بود با این استعفا مخالفت کردند. دلیل این مخالفت این بود که اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست در زمان قدرت مطلقه «نووتنی» برگزیده شده بودند و طبعاً عده ای از هواداران جدی او بدقت سیاسی راه یافته بودند. بعلاوه «نووتنی» تصمیماتی را که برای اخراج نویسندگان از حزب کمونیست چک اسلواکی گرفته شده بود بازیرکی بکمیته مرکزی حزب مربوط ساخته بود، یعنی در این مسئولیت اعضای دفتر سیاسی حزب نیز شرکت داشتند. مبارزاتی که در کادر رهبری حزب کمونیست چک اسلواکی دنبال میشد چند ماه بعد به انتخاب الکساندر دوبچک به رهبری حزب کمونیست انجامید و یکی از نخستین تصمیمات الکساندر دوبچک که در چک اسلواکی بمرحله اجرا در آمد لغو سانور مطبوعات و رادیو و تلویزیون بود.

پس از اینکه در رهبری حزب کمونیست تجدید نظر شد، دسته جدیدی رهبری حزب کمونیست را بدست گرفتند. تصمیماتی که در ماههای ژانویه و مه ۱۹۶۸ توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست چک اسلواکی در زمینه اعطاء آزادی های بیشتر به مردم آن کشور اتخاذ گردید موجب طرح بحث های مفصل در مطبوعات چک گردید. در غالب این بحث ها رویه گذشته حزب کمونیست مورد انتقاد شدید قرار گرفته بود.

سر انجام هنگامیکه در ماه ژوئن گذشته پس از مسافرت ها و مذاکرات مفصل بین زمامداران پراگ و مسکو بحران در روابط دو کشور به نقطه اوج خود رسید کنفرانس ورشو متشکل از سران احزاب پنج کشور: شوروی، لهستان، آلمان شرقی، بلغارستان و مجارستان تشکیل گردید. کنفرانس ورشو از سران حزب کمونیست چک اسلواکی دعوت کرد تا در اجتماع مذکور حضور یافته و در اطراف تحولات چک اسلواکی توضیح دهند. زمامداران پراگ حضور در کنفرانس ورشو را نوعی تجاوز با استقلال و حاکمیت ملی خود تلقی کردند و گمان بردند چنانچه در کنفرانس ورشو شرکت کنند شکل متهمی را خواهند داشت که در برابر هیئت قضات و یا مامورین تفتیش برای بازجوئی حاضر شده است. خودداری رهبران حزب کمونیست چک اسلواکی از مسافرت به ورشو مانع از کار سران احزاب کمونیست پنجگانه نگردید و در پایان کنفرانس نامه ای که به «یادداشت ورشو» مربوط است خطاب به حزب

کمونیست چک اوسلواکی صادر گردید. در این نامه کنفرانس ورشو چهار توصیه به حزب کمونیست چک اوسلواکی کرده بود که یکی از آنها مربوط به مسئله آزادی مطبوعات و لغو سانسور در آن کشور میشد. کنفرانس ورشو در این قسمت از نامه خود تاکید کرد که بکار بردن وسائل خبری نظیر رادیو، تلویزیون و روزنامه انحصارا باید در راه مصلحت طبقه کارگر باشد. در اصطلاح احزاب کمونیست بخصوص عناصر متعصب حزبی مفهوم مصلحت انحصاری طبقه کارگر این است که از پخش هر نوع انتقادی که احیانا مخالف راهنمایی ها و تعلیمات حزبی باشد جلوگیری و بدین ترتیب راه برانتشار هر گونه مقاله و یا فکر انتقادی که ممکن است احیانا انحراف و یا تزلزلی در خط مشی حزب کمونیست پدید آورد سد شود. بعبارت دیگر در عرف کمونیسم بین - الملل آزادی مطبوعات تا آنجا محل اعتبار و اعتناء قرار خواهد گرفت که چهار چوب تعلیمات حزبی رعایت شده باشد و بدین ترتیب برای اظهار نظر های فردی که منطبق با تعلیمات حزبی نباشد در مطبوعات جایی نخواهد بود.

لغوسانسور در چک اوسلواکی و برقراری آزادی نسبی برای کارکنان رادیو و تلویزیون در آن کشور موجب شده بود که اعمال جناح متعصب افراطی و طرفداران «نووتنی» سختی مورد اعتراض قرار گیرد و از جنبشی که برای اعطای آزادی های بیشتر به مردم در چک اوسلواکی آغاز گردیده بود روز بروز حمایت و تقویت موثر تری شود. حزب کمونیست چک اوسلواکی بیادداشت ورشو جواب داد و در این جواب حزب کمونیست مذکور ضمن

وفاداری خود به اردوگاه سوسیالیسم برخی توصیه های کنفرانس ورشو و از جمله سفارش آن کنفرانس را در برقراری مجدد سانسور حزبی روی مطبوعات نوعی مداخله در امور داخلی چک اوسلواکی و مخالف با حاکمیت ملی آن کشور دانست.

جنگ سرد و حملات مطبوعاتی و رادیویی چند هفته پس از کنفرانس ورشو بین مسکو و پراگ ادامه داشت و سر انجام کنفرانس چیرنا و دردنبال آن کنفرانس براتیسلاوا تشکیل گردید در این دو اجتماع بنظر می رسید که یک توافق موقت بین زمامداران چک اوسلواکی و سران پنج کشور سوسیالیستی دیگر پیدا شده است. در اثناء تشکیل این دو کنفرانس زمامداران حزب کمونیست چک اوسلواکی از روزنامه نگاران چک از طریق انجمن مطبوعات بطور دوستانه تقاضا کردند بخاطر مصلحت بزرگتری که مصلحت ملت چک میباشد در هنگام مذاکرات با شوروی ها از انتشار هر نوع مقاله انتقادی و یا کاریکاتور و عکس هائی که احیانا برای شوروی ها جنبه تهدید آمیز داشته باشد خودداری نمایند. روزنامه نگاران چک بقولی که داده بودند صمیمانه وفادار ماندند و تا پایان مذاکرات چیرنا از پخش هر نوع مطلب و یا گزارشی که موجب عدم رضایت شوروی باشد خودداری کردند. انجمن مطبوعات چک اوسلواکی اعلام داشت که در این مدت روزنامه نگاران چک به یک نوع «اتو سانسور» دست زدند و هر وقت مصلحت ملت چک اقتضا نماید روزنامه نگاران آن کشور بآن درجه از رشد فکری و فهم سیاسی رسیده اند که بتوانند با اتو سانسور منافع ملت خود را مراعات نمایند. پس از پایان کنفرانس چیرنا مطبوعات

چک این نظرا عنوان کردند که فقط در مواقع بحرانی و فوق العاده حاضر بقبول اتو سانسور خواهند شد و بدین ترتیب بار دیگر آزادی کامل به مطبوعات چک اوسلواکی بازگشت.

لیکن عمر این آزادی بسیار کوتاه بود. وقتی مطبوعات مسکو شروع بانتقاد شدید از روش حزب کمونیست چک اوسلواکی و مطبوعات آن کشور نمودند پیدا بود که با وجود کنفرانس های چیرنا و براتیسلاوا هنوز عدم رضایت حزب کمونیست شوروی از آنچه در پراگ می گذرد باقی است.

برای درک نظری که حزب کمونیست شوروی در مورد لزوم کنترل وسائل سمعی و بصری از طرف حزب کمونیست ابراز میدارد، باید به تئوری «مارکسیسم لنینیسم» بشکلی که امروز از طرف مسکو تفسیر میشود توجه کنیم. طبق این تئوری حزب کمونیست در داخل هر کشور حاکمیت مطلق دارد و در خارج از حزب کمونیست هیچ نوع فعالیتی مورد تائید نیست. بنابراین تنها حزب کمونیست میتواند مطبوعات را برای ساختن جامعه سوسیالیستی مناسب تشخیص داده شده هدایت و رهبری کند. هر نوع مداخله ای خارج از حزب کمونیست در زمینه مطبوعات خصوصا رادیو و تلویزیون ممکن است موجب رسوخ و رخنه افکار دشمنان کمونیسم گردد و چون اکثریت مردم از لحاظ رشد فکری احتیاج به حمایت و راهنمایی حزب کمونیست دارند در این زمینه مسئولیت و وظیفه سنگینی متوجه حزب کمونیست میباشد.

در مورد چک اوسلواکی زمامداران مسکو رهبران پراگ را متهم میسازند که حزب کمونیست در انجام

یکی از اساسی ترین وظایف خود یعنی کنترل روزنامه ها، رادیو و تلویزیون قصور و سهل انگاری نشان داده است. این تعبیر حزب کمونیست شوروی را در محافل غربی باین عبارت بیان میکنند که مسکو تقاضای برقراری مجدد سانسور حزبی بر مطبوعات و رادیو و تلویزیون چک را نموده است. باتوجه باین تئوری که از نظر حاکمیت مطلقه حزب کمونیست در داخل یک کشور سوسیالیستی شرح داده شد نکته دیگری نیز قابل توجه است و آن حدود حاکمیت مذکور می باشد.

حزب کمونیست در تمام مسائلی که مربوط به سر - نوشت و آینده یک کشور سوسیالیستی است تصمیم میگیرد، اما این حاکمیت در صورتیکه بامناف کمونیسم بین الملل یعنی خاندان جهانی کمونیسم تعارض پیدا کند حاکمیت و قدرت حزب کمونیست در مقابل مصلحت بزرگتر که مصلحت جهانی کمونیستی است ساقط خواهد شد. شوروی ها برای توجیه مداخله نظامی خود از این تئوری استفاده میکنند. در خلال مداخله اخیر ارتش سرخ در چک اوسلواکی مطبوعات چک بار دیگر رشد سیاسی و استقلال طلبی خود را ثابت کرده اند. در روز چهارشنبه ۳۰ مرداد هنگامیکه شهر پراگ و دیگر شهر های چک اوسلواکی باشغال ارتش سرخ در آمد انجمن روزنامه نگاران چک در نخستین ساعات بامداد اعلامیه ای خطاب به تمام روزنامه نگاران آن کشور صادر کرد. در این اعلامیه گفته شده بود که روزنامه نگاران از آزادی و استقلال مملکت خود حراست خواهند نمود. در اعلامیه از همه روزنامه نگاران چک خواسته شده بود که در اثناء اشغال خاک وطن از طرف ارتشهای

بیگانه خبر و یا مقاله های انتشار ندهند که بعد ها موجب شرمساری و سرافکندگی ایشان گردد. این حقیقت را باید اذعان کرد که تاکنون چنین مقاله و یا خبری در هیچیک از روزنامه های چک اوسلواکی انتشار نیافته است. بعلاوه روزنامه نگاران رادیو و کارکنان آن در حفظ وحدت ملی در خلال سخت ترین لحظات نقش بسیار مهمی بازی کرده اند. فرستنده ای که بنام رادیو پراگ آزاد خود را معرفی می نماید از آغاز اشغال نظامی تاکنون با پخش اخبار مربوط به فعالیت های دوبچک و همکاری آنها توانست مردم را در جریان حقایق اخبار قرار دهد. روزنامه نگاران رادیو پراگ در روز های اخیر در شرایط بسیار دشواری در استودیو های فرستنده مخفی کار خود را ادامه داده اند. رادیو چک اوسلواکی که پس از اشغال نظامی آن کشور زیر عنوان شبکه آزاد و قانونی جمهوری چک اوسلواکی فعالیت خود را منظمآ ادامه داده در تشکیل اجتماعات حزب کمونیست از طریق پخش پیام ها نیز عامل موثری بوده است. از نخستین روز اشغال خاک چک اوسلواکی مقامات شوروی کوشیدند تا صدای فرستنده های مخفی را خاموش سازند لیکن فعالیت رادیو های مذکور هنوز قطع نشده است. آخرین اطلاعی که در زمینه توافق موقت زمامداران چک اوسلواکی و شوروی در مسکو انتشار یافته حاکی است که حزب کمونیست چک اوسلواکی متعهد شده از این پس کنترل و نظارت شدید تری بر اوضاع داشته باشد و از جمله کار رادیو ها و فعالیت های مطبوعاتی در آن کشور را زیر نظر قرار بدهد. خیرگراری فرانسه در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۶۸ ضمن

خبر شماره ۱۸۰ خود از بن مواد محرمانه موافقت نامه شوروی و چک اوسلواکی را انتشار داده است. طبق این مواد که از منابع مطبوعاتی آلمان غربی نقل شده در خلال مذاکرات مسکو رهبران چک اوسلواکی ناگزیر به قبول پروتکل سری و محرمانه‌ای شده‌اند و در این پروتکل شرایطی که زمامداران چک اوسلواکی برای باقی ماندن کشورشان در اردوگاه سوسیالیسم باید بدان عمل کنند ذکر شده است.

ماده پنجم از پروتکل سری از این قرار است: « لغو آزادی مطبوعات، تصفیه بین روزنامه نگاران چک و اخراج برخی از خبرنگاران خارجی. »

در همان روز (۲۶ اوت، خبر شماره ۵ خبرگزاری فرانسه) طبق گزارش رسیده از پراگ نویسندگان چک اوسلواکی طی اعلامیه‌ای مخالفت خود را باین قرار دادی سانسور اعلام می‌دارند.

نویسندگان «لیترارنی - لیستی» مجله هفتگی اتحادیه نویسندگان چک اوسلواکی در اعلامیه‌ای که چاپ و در خیابان های شهر پراگ توزیع گردید اظهار می‌کنند: « ما حقایق ادعائی را که از دستگاه تصفیه و فیلتر سانسور گذشته باشد نمی‌پذیریم. » روزنامه نگاران بعد اظهار می‌دارند که آنها چنانچه نتوانند آنطور که وجدانشان حکم میکند افکار و نظریات خود را بنویسند ادامه انتشار روزنامه را متوقف خواهند ساخت. روزنامه نگاران بعد در اعلامیه مذکور می‌گویند: « ما بدون دفاع نیستیم زیرا هفت روزگی که زنده ماندیم نشان داد که میتوانیم مقاومت کنیم. »

آخرین گزارشها و اخبار رسیده از پراگ حاکی است که مواد مربوط به مقررات سانسور طی بخشنامه‌ای از طرف دولت بکلیه روزنامه

ها ابلاغ شده است.

روزنامه «لوموند» در تجزیه و تحلیل دقیقی که از وضع رابطه کشور های اروپای شرقی با اتحاد جماهیر شوروی در اوائل سپتامبر امسال به قلم یکی از کارشناسان مسائل اروپای شرقی « پیرکند » بعمل آورده چنین مینویسد: از لحاظ اطلاعات و اخبار بین شوروی و تحت الحمايگان غربی او تقریباً همانقدر اختلاف وجود دارد که بین چین کمونیسم و ژاپن، دیوار سکوت و دروغ که اساس سیستم استالینی را از لحاظ پانزده سال پس از مرگ مخصرع آن، هنوز هم در شوروی موجود است. وقتی در یک کشور که با سیستم یک حزبی اداره می شود تمام دستگاه های تبلیغاتی و مطبوعاتی برای یک نفر تبلیغ کنند طبعاً اکثریت سکنه آن کشور تحت تاثیر آن واقع خواهند شد. در حال حاضر نیز در شوروی دستگاه های تبلیغاتی و مطبوعاتی برای تحت تاثیر قرار دادن و یکنواخت ساختن افکار مردم بهمین ترتیب عمل میکنند و آنچه طی سالهای اخیر دیده شدیم در تمام کشور شوروی تنها عده معدودی از روشنفکران توانسته‌اند از حکومت و تسلط این نوع تبلیغات خود را رها ساخته و به آزادی بیشتری فکر نمایند و باید اضافه کرد که برای همین عده معدود هم فرار از تاثیر تبلیغات حزب نیرومند کمونیست غالباً ناراحتی به وجود آورده است. در کشور های دموکراتیک پخش اخبار و وقایع بطور ساده، یعنی حاصل آنچه که واقع شده، با توجه به توسعه روز افزون وسائل ارتباط جمعی تا حدود قابل ملاحظه‌ای با موفقیت همراه بوده است و روز بروز عده بیشتری از مردم در کشور های نسبتاً آزاد از

اخبار و وقایع روزانه آگاهی پیدا میکنند. باید قبول کنیم که این آگاهی بیشتر جنبه سطحی دارد و هنوز تمدن دموکراسی های غربی بآن درجه از رشد نرسیده که اکثر مردم از جزئیات و کیفیات وقایع هم باخبر شوند. اما همین اطلاع و آگاهی ابتدائی و سطحی از اخبار هم در شوروی برای مردم نیست و باید اعتراف کرد اطلاع از اخبار و وقایع را که یکی از متفکرین معاصر بر آن اکیژن ترقی در نیمه دوم قرن بیستم نام نهاده برای اکثر افراد شوروی میر نیست.

همانطور که اطلاع دارید یکی از بدیهی ترین و مسلم ترین آزادی های بشری آزادی مسافرت و آزادی انتخاب محل سکونت میباشد. وجود این آزادی و بر خورداری از آن در هر کشوری تا حدودی به پخش اخبار و افکار کمک میکند، زیرا مسافرتی که از کشوری به کشوری دیگر مسافرت می کنند و یا سیاحانی که از کشورهای خارج به مملکتی می آیند یکی از عوامل موثر در پخش اطلاعات و اخبار میباشد. برای مردم شوروی هنوز این حق ابتدائی بشری یعنی آزادی مسافرت و رفت و آمد به کشورهای دیگر وجود ندارد و علاوه توریست هائی هم که از خارج به شوروی سفر میکنند غالباً تحت مراقبت ماموران اینتوریست قرار دارند. »

با آنچه گفته شد راز سانسور مطبوعات در شوروی کشف می شود. در بسیاری از موارد و با استثناء برخی از اقلیت های کاملاً مطلع، خواننده روزنامه شوروی حتی راجع بنظریات مختلف درباره امور جاری اطلاع صحیحی بدست نمی‌آورد مگر مطالبی که از طرف دستگاه های تبلیغاتی حزب کمونیست

انتشار مییابد. خواننده شوروی نباید از مطالبی آگاهی پیدا کند که بنحوی از انحاء در پیشرفت او در روی خط مستقیم بسوی پیش بینی های لنین و مارکس کمتریسن تزلزل و انحرافی پیدا شود. اما در چکسلواکی و دیگر کشورهای اروپای شرقی وضع بشکل کاملاً محسوسی اختلاف دارد. در این کشورها هیچوقت افکار صد در صد تحت تاثیر شرایط معینی قرار نگرفته و سانسور هر اندازه هم که با اقتدار اعمال شده باز موفق به جلوگیری از نشر افکار دموکراسی های غربی در این کشور ها نشده است. یک خبر که در اروپای غربی منتشر میشود با اختلاف چند ساعت از طریق رادیو بگوش مردم اروپای شرقی میرسد. دستگاههای ایجاد پارازیت روی برنامه های رادیویی هرگز نمیتوانند بطور کامل و در تمام ۲۴ ساعت صدای رادیو های اروپای غربی را در کشور های اروپای شرقی بلا استفاده سازد. علت این امر یکی نزدیک فرستنده های اروپای غربی و شرقی است و دیگر قدرت فرستنده های کشورهای اروپای غربی است. یک عامل موثر دیگر در پخش اخبار در کشورهای اروپای شرقی دهن بدهن گشتن رویداد هاست. برای خواننده شوروی اعلامیه های خبرگزاری تاس و روزنامه «ایزوستیا» اعتبار و اهمیت فوق العاده دارد، اما در کشورهای اروپای شرقی این گونه اخبار را با توجه بآنچه در دنیای غیر کمونیست راجع به آن میدانند تلقی و تفسیر مینمایند و بهمین دلیل مطبوعات در کشورهای اروپای شرقی غالباً ناچارند برای پخش وقایع و اخبار ارزش و اهمیتی بیش از مطبوعات شوروی قائل شوند. خود روزنامه نگاران اروپای شرقی را نیز نباید

از یاد برد. روزنامه نگاران اروپای شرقی بخاطر تماس نزدیک و مسافرت های متعدد به دموکراسی های غربی باطناً علاقه و تمایل بیشتر با استفاده از آزادی دارند.

در حال حاضر روزنامه نگاران چک شرایط غم انگیز و دردناکی را میگذرانند. غالب چاپخانه ها و ادارات روزنامه و فرستنده های رادیو و تلویزیون به تصرف ارتش های اشغالگر درآمده است. دولت چکسلواکی و حزب کمونیست ملزم و متعهد شده‌اند که بار دیگر سانسور را در همه مطبوعات و وسائل ارتباط ختری برقرار سازند. اما رشد و بیداری و نبوغ روزنامه نگاران در هر کشوری در شرایط سخت و دشوار آشکار میشود.

اگر تمام آزادیها و امکانات برای روزنامه نگار وجود داشته باشد بیان حقایق کار دشواری نیست. قدرت و نبوغ و عظمت کار روزنامه نگاری وقتی آشکار میگردد که روزنامه نگار حتی تحت شرایطی نظیر اشغال نظامی یا سانسور ساسی بتواند باز ارتباط و گفتگوی خو را با خوانندگانش بشکلی برقرار سازد و بهر صورت گاه با سکوت خود و گاه با اشارات و کنایات آنچه را که سربحا از گفتن آن محروم شده با خوانندگان در میان گذارد. روزنامه نگاران چک - اوسلواکی امروز چنین وضعی دارند و چنین بنظر میرسد که دیر یا زود روز های اشغال و دوران سانسور پایان خواهد رسید و در آینده شاهد روزنامه نگارانی خواهیم بود که در چک اوسلواکی از خاطرات دوران اشغال و مبارزات و مقاومتشان در این دوره سیاه برای خوانندگان خود داستان های هیجان - انگیزی منتشر سازند.